

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

آب تا گلو!!!

از بخش دوم «فریاد اسیر»

طنز

از عجب خان چنین خبر آمد
تا که در جرمنی مُقیم شده
زیر نام مهاجر افغان
چتی اش مُهر* و ساعتش تیر است
دلش از هر جهت گرفته قرار
دور از رنج و زحمت و تشویش
آن که یک توشک و لحاف نداشت
شده گردن کلفت همچون غول
همگی بی نیاز و بی پروا
نه تنی خسته از مصیبت کار
نه پی کسب نان عرق ریزان
نه به فکر و خیال چوب و ذغال
نه غم حاضری، نه کسر معاش
نه به دل فکّر آمر و مأمور
بس که آسوده حال و آرام است
که ز دل زنگ غصه بر آمد
فارغ از خوف و ترس و بیم شده
بخت او شاد و مشککش آسان
تنش آسوده، اشکمش سیر است
کور، کالی و دودی است تیار
باده نوشد بجای بنگ و حشیش
از ضعیفی گره به ناف نداشت
میکند ظرف کهنه «اشپرمول»
کله ها شاخ شده ست و سربالا
نه دلی رنجه از گپ و گفتار
نه برای لباس سرگردان
که کند قرض پیشکی هر سال
نه پی خوردنی به سعی و تلاش
که دهد حاضری ضرور، ضرور
فارغ البال و شهد در کام است

هیچ‌گه یاد از وطن ن‌کند لب خود تر، درین سخن نکند
که دران سرزمین چه می‌گذرد هردم از جنگ و کین چه می‌گذرد
همه در مرگ و میر و حیرانی هـدف راکت اند و ویرانی
سخت رفته به عیش و نوش فرو
بچه در آب و آب تا به گلو

توضیحات:

* - "چتی" کسی مُهر شدن" اصطلاح کابلی و کنایه از "پول مفت به دست کسی آمدن" است. "چتی" (به کسرتین) کلمه هندی ست و مراد از آن همانا "قبض" و "رسید" و "کاغذ"ی ست که به موجب آن چیزی را دریابند.

** - "شپرمول" همانا کلمه Sperrmüll المانی ست و مراد از اشیای ناکارآمد و اضافی ست، که هر خانه بیرون کشیده و در کنار پیاده رو می‌گذارد، تا دیگران از آن استفاده کنند و بقیه را تنظیفات شهر تصفیه نماید. و این کار در شهرهای خرد، معمولاً سال یکی دو بار صورت می‌گیرد.

*** - "بچه در آب و آب تا به گلو" بر مثل معروف کابلی "آب تا گلو، بچه زیر پای" ترتب دارد.

(بن - المان، ۱۵ جنوری ۱۹۸۷ ع)